

تحلیل و بررسی گونه‌های تکرار در شعر طاهره صفارزاده با

تأکید بر کتاب «بیعت با بیداری»

محمدحسن سورانی حیدری*

دکتر شهرزاد نیازی**

دکتر مرتضی رشیدی***

چکیده

تکرار یکی از صنایع بدیعی است که به گونه‌های مختلف تحقق می‌یابد: تکرار مصوت‌ها، تکرار کلمات و عبارات‌ها، تکرار صامت‌ها، تکرار مصوت و صامت با هم. غیر از موارد ذکر شده گاه مفاهیم شعری با عبارات‌های گوناگون و در قالب الفاظ و تصاویر مختلف تکرار می‌شوند. هم‌چنین تکرار واژه‌ها در کنار ساختار نحوی یکسان، موسیقی شعر را تقویت می‌کند و گسترش معنایی به وجود می‌آورد. طاهره صفارزاده، از شعرای معروف پیش و پس از انقلاب، از این گونه تکرارها بهره‌ فراوان برده است؛ به طوری که می‌توان یکی از شاخصه‌های شعری او را همین تکرار و مخصوصاً تکرار آغازین عنوان کرد. در این مقاله که به روش تحلیلی - توصیفی انجام گرفته، کوشش شده است عنصر تکرار در شعر او با تأکید بر کتاب «بیعت با بیداری» که یکی از مؤثرترین و کوبنده‌ترین آثار شعری او در بین سال‌های ۵۶ تا ۵۸ است، تحلیل و بررسی گردد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد وی با استفاده از این آرایه اوضاع نابسامان حاکم بر جامعه را به تصویر می‌کشد. وی با تکرار واج، واژه و عبارت، توانسته است کمبود یا نبود وزن و موسیقی بیرونی را جبران کند و معانی برجسته و قابل قبولی را بیافریند و نقش مؤثری در آگاهی بخشیدن به مردم در آستانه انقلاب ایفا کند.

واژه‌های کلیدی

تکرار، تکرار لفظی، تکرار معنایی، تکرار نحوی، بیعت با بیداری.

* گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

** گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. (نویسنده مسؤل)

*** گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۳

تکرار از مقوله‌های مهم در ایجاد موسیقی شعر است که از دیرباز مورد توجه شاعران و منتقدان ادبی بوده است. هم‌چنین به عنوان یک عامل تربیتی و آموزشی نقش دارد و در امور روزمره، به صورت خودآگاه و ناخودآگاه، تأثیرگذار است. در شعر گذشته فارسی، تکرار صنعتی ادبی است که به شکل‌های مختلف ظهور و بروز می‌یابد. غیر از این، عنصر ردیف و قافیه نیز از مظاهر تکرار هستند که نقش مهمی در ایجاد موسیقی کناری شعر دارند.

با تغییر ساختار و قالب شعر در دوره جدید و حذف وزن عروضی و ردیف و قافیه به شکل سنتی آن در شعر نو، شاعران از این مقوله به عنوان یکی از ظرفیت‌های زبان برای خلق موسیقی شعر بهره گرفتند. در واقع تکرار در شعر نو جایگزین ردیف در شعر کلاسیک شده است. همان‌گونه که ردیف برای غنای موسیقی شعر به کار می‌رود یا به تداعی‌های شاعر کمک می‌رساند و ترکیبات و مجازهای بدیع را در زبان شکل می‌دهد، در شعر نو نیز تکرار می‌تواند این کارکردها را داشته باشد.

تکرار به گونه‌های مختلفی تحقق می‌یابد: تکرار مصوت‌ها، تکرار کلمات و عبارت‌ها، تکرار صامت‌ها، تکرار مصوت و صامت با هم (فشارکی، ۱۳۷۹: ۶۴-۶۹). غیر از موارد ذکر شده گاه مفاهیم شعری با عبارت‌های گوناگون و در قالب الفاظ و تصاویر مختلف تکرار می‌شوند. شاعر با هر بار تکرار، به دنبال توصیف جدیدی است و مفهوم تازه‌ای را به ارمغان می‌آورد. هم‌چنین تکرار واژه‌ها در کنار ساختار نحوی یکسان، موسیقی شعر را تقویت می‌کند و گسترش معنایی به وجود می‌آورد.

طاهره صفارزاده (۱۳۸۷-۱۳۱۵ه.ش)، از شعرای معروف پیش و پس از انقلاب، با بینش اجتماعی عمیق ناشی از بصیرت سیاسی و انقلابی، کوشیده است تعهد اجتماعی خود را با نگاه بشردوستانه و قراردادن شعر در خدمت جامعه و اخلاق به شکل ملموس نشان دهد. تکرار یکی از عناصری است که وی از آن به شکل‌های مختلف بهره گرفته است؛ به طوری که می‌توان یکی از شاخصه‌های شعری او را همین تکرار و مخصوصاً تکرار آغازین عنوان کرد.

تحلیل و بررسی گونه‌های تکرار در شعر ۴۳

در این مقاله کوشش شده است عنصر تکرار در شعر او با تأکید بر کتاب «بیعت با بیداری» که یکی از مؤثرترین و کوبنده‌ترین آثار شعری او در آستانه انقلاب اسلامی و پس از آن و مربوط به دوران تکامل شعری اوست، بررسی و تحلیل گردد.

پیشینه تحقیق

تعداد و تنوع مقالات و پژوهش‌هایی که در باره اشعار صفارزاده انجام شده، بسیار است که می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

عسکر نوایی (۱۳۹۶) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «تأثیر قران و حدیث بر اشعار طاهره صفارزاده با تکیه بر صنایع بلاغی» تلاش کرده است اشعار این شاعر را از نظر تأثیرپذیری از قران و حدیث و همچنین از نظر عناصر بلاغی و شیوه برخورد وی با آیات الهی بررسی کند. باقی‌نژاد (۱۳۹۵) در مقاله خود با نام «بررسی رویکردها و رفتارهای زبانی در شعر صفارزاده» تلاش کرده است که نوسانات شعری صفارزاده را در هر دوره از شاعری وی، بررسی و با پرداختن به سیر تکوین زبان شعر این شاعر، جنبه‌ها و شاخصه‌های بیانی او را تحلیل و نقد کند. و در پایان به این نتیجه رسیده که شعر وی در تمام سال‌های شاعریش از نظر محتوایی دارای شاخصه‌های نسبتاً یکسانی بوده ولی جنبه ساختاری او همواره دستخوش دگرگونی شده است.

احمدرضا یلمه‌ها و مهدیه ولی محمدی آبادی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی زبان شعر طاهره صفارزاده در دوره دوم شاعری (اشعار دفترهای طنین در دلتا، سد و بازوان، سفر پنجم)» به بررسی زبان شعر صفارزاده در سه دفتر «طنین در دلتا»، «سد و بازوان» و «سفر پنجم»، بر اساس آرا و اندیشه‌های فرمالیست‌های روسی پرداخته‌اند. نتیجه پژوهش این است که صفارزاده در سه دفتر مورد بررسی اهمیتی به وزن شعر نمی‌دهد و به جای آن از طنین که نظریه خاص اوست استفاده می‌کند. وی با انتخاب بجا و حساب شده کلمات، تصاویر و انواع صنایع لفظی و معنوی به صورتی که ارتباطات عینی و ذهنی آن‌ها در شعر حفظ شود، به شعر انرژی القا می‌کند و مخاطب را در هنگام خواندن شعر بیدار نگه می‌دارد.

۴۴ تحلیل و بررسی گونه‌های تکرار در شعر...

مژگان و نارنجی (۱۳۹۲) «سبک‌شناسی شعر شاعران زن از پیروزی انقلاب اسلامی تا دوران دفاع مقدس (طاهره صفارزاده، سپیده کاشانی، فاطمه راکعی)» این پژوهش به روش تحلیل زبانی - محتوایی به بررسی ویژگی‌های بارز سبکی اشعار انقلابی و دوران دفاع مقدس این شاعران پرداخته است.

فرشته رستمی (۱۳۹۲) «بررسی زبان ادبی اشعار فارسی طاهره صفارزاده». در این پایان‌نامه در یک نگاه کلی شگردهای به کار گرفته شده از سوی شاعر؛ چون: آشنایی‌زدایی به‌ویژه آشنایی‌زدایی‌های سبکی، معنایی و نوشتاری؛ کاربرد آرایه‌های مهم ادبی؛ چون: تشبیه، استعاره، کنایه، تضاد، تکرار، تلمیح و...؛ نمادپردازی از راه آفرینش نمادهای نوین و نیز تغییر و دگردیسی در مفهوم نمادهای شناخته شده ادبی؛ مضمون‌پردازی با ایجاد تنوع در کاربرد مضامین ادبی؛ و در نهایت روایت‌گری و تصویرپردازی با تکیه بر جریان سیال ذهن و عنصر طنز و نیز ایجاد تصاویر ایماژیسیم و سمبلیک بررسی گردیده است.

پیروز میرزاده دم طسوج (۱۳۸۹) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «زیباشناسی در اشعار طاهره صفارزاده» به روش کتابخانه‌ای و اسنادی صور خیال و آرایه‌های بدیعی را در شعر صفارزاده بررسی کرده است.

اما مقاله حاضر می‌کوشد با برجسته کردن عنصر تکرار به طور خاص در کتاب «بیعت با بیداری»، چگونگی بهره‌گیری شاعر را از این مقوله زیباشناسی و همچنین القای معانی و کارکردهای مختلف آن بررسی و تحلیل کند.

زندگی و شعر طاهره صفارزاده

طاهره صفارزاده شاعر، نویسنده، محقق و مترجم در بیست و هفتم آبان‌ماه سال ۱۳۱۵ ه.ش در سیرجان چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کرمان گذراند. لیسانس ادبیات انگلیسی را در تهران گرفت و برای ادامه تحصیل به انگلستان و سپس به آمریکا رفت. در دانشگاه آیوا هم در گروه نویسندگان بین‌المللی پذیرفته شد و هم به کسب درجه MFA

تحلیل و بررسی گونه‌های تکرار در شعر ۴۵

(کارشناسی ارشد هنرهای زیبا) نایل آمد. اولین شعر خود را در سیزده سالگی سرود که نقش روزنامه دیواری مدرسه شد و اولین جایزه خود را در سال چهارم دبیرستان با پیشنهاد استاد باستانی پاریزی از دست رئیس آموزش و پرورش گرفت. شهرت او با شعر «کودک قرن» پدید آمد. در سال ۱۳۵۶ کتاب «سفر پنجم» را منتشر کرد. وی در سال ۱۳۸۷ در سن ۷۲ سالگی در بیمارستان ایران‌مهر تهران درگذشت.

آثار ادبی او عبارتند از: رهگذر مهتاب (۱۳۴۱)، طنین در دلتا (۱۳۴۹)، سد و بازوان (۱۳۵۰)، سفر پنجم (۱۳۵۶)، حرکت و دیروز (۱۳۵۷)، بیعت با بیداری (۱۳۵۸)، مردان منحنی (۱۳۶۶)، دیدار صبح (۱۳۶۶)، در پیشواز صلح (۱۳۸۵)، گزیده ادبیات معاصر (۱۳۷۸)، هفت سفر (۱۳۸۴)، روشنگران راه (۱۳۸۴)، اندیشه در هدایت شعر (۱۳۸۴).

(The Red umbrella) سروده‌هایی به زبان انگلیسی (۱۹۶۷ م = ۱۳۴۷)، (گزیده اشعار فارسی و انگلیسی) ۱۳۷۸ ش = Select Poems ۱۹۸۷. (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۹۰۹-۹۲۴).

در ابتدای دوران شاعری، شعرهایش بر مبنای اوزان نیمایی است. شعری می‌سراید که به قول خودش: «شعری بی‌تشویش وزن، با روشنی استعاره، زمزمه‌های روشن‌فکرانه و طنین» (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۲۰). پایه و اساس شعر او صور خیال است. اما زبان شعرش ساده و امروزی است و در چارچوب قواعد زبان سنتی و کلاسیک زمین‌گیر نشده است. شعرش سرشار از حرکت و پویایی و جنبش و خروش است و زندگی را نوید می‌دهد. سرودهایی که با موضوع‌ها و درون‌مایه‌هایی فراتر از مرز جغرافیایی و با محتوا، قالب و پیامی که از اندیشه، احساس و تخیلی ژرف برمی‌آید. او اشعاری با همین محتوا به زبان انگلیسی سروده است؛ کتاب «چتر سرخ» نام کتاب کوچکی است از اشعار انگلیسی صفارزاده، البته با ارزشی بسیار بالا به طوری که در میان چهار کتاب برگزیده جهانی از میان مجموعه شعرهای شاعران ملیت‌های مختلف قرار گرفت و به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه شد.

دوران شاعری او را به سه مرحله شعری تقسیم‌بندی کرده‌اند: مرحله اول آغاز شاعری که دوران نوجوانی و جوانی شاعر را دربرمی‌گیرد و مانند بسیاری از شاعران جوان و آن حال و

۴۶ تحلیل و بررسی گونه‌های تکرار در شعر...

هوا به سرودن اشعار موزون رمانتیکی روی می‌آورد. مجموعه «رهگذر مهتاب» حاصل این دوران است (شمس لنگرودی: ۱۳۷۸: ۸۳).

مرحله دوم (دوران شک و تردید): این دوره با سفر آمریکا و تحصیل دانشگاه «آیووا» آغاز می‌شود و نقطه عطف و طلیعه تحولی بزرگ در زندگی و شعر او به شمار می‌رود؛ زیرا جهان‌محوری و حتی پدیده‌ای به نام «امپریالیزم» و ادبیات مقاومت آشنا و حتی اشعارش در ردیف شاعران بزرگ یوگسلاوی، چینی و سوئدی چاپ می‌شود. مجموعه «چتر سرخ» را بدون تشویش وزن وقافیه به زبان انگلیسی می‌سراید و منتشر می‌کند و توجه همگان را به خود جلب می‌کند. با این حال هنوز شعر وی به آن انسجام کافی و دلخواهش نرسیده است. (صفرزاده، ۱۳۶۶ الف: ۱۰۸)

مرحله سوم (دوران تکامل شعری): در این دوره وی با کوله‌باری از تجربه و دستاوردهای فکری به ایران باز می‌گردد و با اندیشه‌های انقلابی روشن‌فکران دینی در دانشگاه‌های ایران بیشتر آشنا و روحیه ستم‌ستیزی او تقویت می‌شود و به زودی به عنوان یکی از مؤثرترین شاعران جناح شعر مقاومت دینی، معرفی و طاغوت زمان را به باد انتقاد می‌گیرد. مجموعه «بیعت با بیداری» که دومین مجموعه شعر وی بعد از «سفر پنجم» در طی این دوران است با توجه به حال و هوای زمانی، کلام رنگ و بوی جهاد و مبارزه به خود می‌گیرد و کاربرد واژه‌هایی؛ مثل: راه، شهید و شهادت، بیداری، صدا، شب، مرگ، تابوت، قبر، خون و گلوله از بسامد بالاتری برخوردار هستند. (صفرزاده، ۱۳۶۶ ب)

سروده‌های صفرزاده در مجموعه «سفر پنجم» (۱۳۵۶) و «بیعت با بیداری» (۱۳۵۸) از مؤثرترین و کوبنده‌ترین نمونه‌های شعر مقاومت اسلامی طی آن دوره‌ها [در آستانه انقلاب] است (یا حقی، ۱۳۷۸: ۱۵۲). این دو اثر حاصل اندیشه‌های شعری او در این زمان است که نشانگر شاعری اندیشمند با روحیه انقلابی و مذهبی است. این دو مجموعه از بهترین مجموعه‌های شعر صفرزاده و از مؤثرترین آثار شاخه مذهبی شعر مقاومت در نیمه دوم دهه پنجاه به شمار می‌رود.

تکرار و اهمیت آن در شعر صفارزاده

یکی از عناصر ادبی پرکاربرد در شعر صفارزاده که اهمیت زیادی دارد، اسلوب «تکرار» است. واژه «تکرار» در لغت‌نامه دهخدا چنین تعریف شده است: حمله کردن بر کسی و میل نمودن و مهربانی کردن، بازگردیدن از کسی و بازگردانیدن، بسیار واگردانیدن (لغت‌نامه: ذیل تکرار). در اصطلاح ادبی «صناعتی بدیع است و آن است که شاعر یا نویسنده لفظی را مکرر بیاورد» (داد، ۱۳۸۵: ۱۵۶)

تکرار عنصری است که در متن ادبی هم‌سنگ ردیف و قافیه نمود دارد و در شعر نو کاستی‌های ناشی از عدم حضور موسیقی کناری و بیرونی را پوشش می‌دهد. در واقع ظهور و بروز تکرار در شعر معاصر، در عرضه مفاهیم و آفرینش زیبایی ادبی نقش به‌سزایی دارد و در انتقال گستره اندیشه شاعر مؤثر است. مولانا تکرار را در کنار هنر به کار برده و به ارزش هنری تکرار اشاره دارد:

رومیان آن صوفیاند ای پسر بی ز تکرار و کتاب و بی هنر

(مولوی، ۱۳۸۰: ۱۶۱)

ناصر خسرو در مورد تکرار می‌گوید:

در شعر ز تکرار سخن عیب نباشد زیرا که خوش آید سخن نغز به تکرار

(ناصر خسرو، ۱۳۸۴: ۳۶)

امروزه تکرار در زیبایی‌شناسی هر اثر، نقش مهمی را ایفا می‌کند و فقط صرف تکرار کلمات و عبارات نیست، بلکه شاعر در ورای آن اهدافی متعالی را دنبال می‌کند و بسته به غرض خویش آن را هنرمندانه به کار می‌گیرد.

مطابق قواعد نحوی، وقتی یک اسم برای بار دوم و سوم در یک جمله به کار می‌رود، باید به جای آن از ضمیر استفاده نمود. تکرار یک اسم حاکی از آن است که باید بر معانی جدید دلالت کند. تکرار در زیباشناسی هنر از مسایل اساسی است و آن را باید یکی از مختصات سبک ادبی قلمداد کرد (شمیسا، ۱۳۷۳: ۶۳). شاعر با شگرد تکرار، حس درونی خود را به

۴۸ تحلیل و بررسی گونه‌های تکرار در شعر...

خوبی به خواننده انتقال می‌دهد. بررسی و تحلیل تکرار، میزان توانمندی شاعر در تأثیربخشی کلام و رساندن آن به مخاطب را نشان می‌دهد. غرض نهایی تکرار، تأکید و مبالغه است. تکرار همیشه از عیوب فصاحت نیست، بلکه بر عکس گاهی بلاغت کلام در گرو آن نهفته است. تکرار از قوی‌ترین عوامل تأثیر است و بهترین وسیله‌ای است که عقیده یا فکری را به کسی القا می‌کند (علیپور، ۱۳۷۸: ۸۹). هر تکرار در اثر هنری، در بردارنده پیامی است. به عبارت دیگر تکرارها با خود نقش‌هایی دارند که از لایه‌های مختلف قابل بررسی هستند.

در شعر صفارزاده که «بی تشویش وزن» سروده شده با عنصر تکرار تاخت و تازهای زیادی نموده است. در کتاب «بیعت با بیداری» - که در سال‌های ۵۶ تا ۵۸ سروده و دارای حال و هوای اوایل انقلاب و متناسب با شرایط آن روز است و اوضاع حاکم بر جامعه آن روز را به خوبی نشان می‌دهد - گونه‌های مختلف تکرار دیده می‌شود. در این پژوهش قسم‌های مختلف تکرار همراه با شواهد آن در این کتاب که از بیشترین میزان کاربرد برخوردار است، تحلیل و بررسی شده است.

اقسام تکرار در شعر صفارزاده

تکرار به شکل‌های مختلف در شعر فارسی نمود و ظهور می‌یابد که می‌توان به تکرارهای لفظی؛ شامل: تکرار واج، واژه و جمله اشاره کرد. هم‌چنین تکرار ساختارهای نحوی هم می‌تواند از مقوله تکرار به شمار آید که تکرار نحوی نامیده می‌شود. تکرار معانی و مفاهیم نیز می‌تواند با عنوان تکرارهای معنایی قلمداد گردد. این سه گونه تکرار بیشترین بسامد را در شعر صفارزاده به‌خصوص در مجموعه «بیعت با بیداری» دارد. در زیر انواع این تکرارها با ارائه شواهد تحلیل و تبیین می‌گردد.

تکرارهای لفظی

از کوچک‌ترین واحد زبان؛ یعنی واج تا بزرگ‌ترین آن را که جمله است، شامل می‌شود.

تکرار واج

تکرار واج یا واج‌آرایی، شگردی است که شاعر با استفاده از آن ظرفیت موسیقی موجود در آواها را برای القای معانی مورد نظر خود به کار می‌گیرد. می‌توان گفت هر شاعری از این ویژگی برای رسیدن به موسیقی درونی در شعر خود بهره گرفته است. در شعر صفارزاده با تکرار کلمات و همنشین ساختن برخی واژه‌ها که دارای واج همسان با کلمات مکرر هستند از موسیقی مضاعفی برای بیان مطالب خود استفاده می‌کند. برای مثال می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

- زور و مسلسل و سرنیزه/ در هر سوی بلاد به پا خیزان/ در هر سوی بلاد/ و چار سوی

بسته میدان (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۲۸۶)

کاربرد واج سایشی «س» در «مسلسل» و «سرنیزه» و «بسته» در کنار واژه «سوی» که سه بار تکرار شده، ارزش آوایی واج «س» را در کنار تداعی معنای خفقان و اسارت بیشتر می‌سازد.

و داغشان داغ است/ ای داغداران (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۳۰۰)

در این شعر قبل از این که تکرار واژه «داغ» جلب نظر کند، آوای واج «غ» و «د» قوی‌تر ظاهر می‌شود. این درحالی است که مصوت «آ» اگرچه هشت بار تکرار شده است، در مقابل حرف «غ» و «د» که به ترتیب سه بار و چهار بار تکرار می‌گردد، کمتر شنیده می‌شود و بدین ترتیب فضای خشن و سخت را با موسیقی حروف «غ» و «د»، همراه با حزن و اندوه برآمده از مصوت «آ» بازسازی می‌کند.

تکرار واژه

صفارزاده از این روش در اکثر اشعارش جهت توضیح و تفسیر برخی واژه‌ها استفاده کرده است که به شگردی تبدیل شده که علاوه بر تقویت موسیقی درونی و آفرینش زیبایی شنیداری، رسالت رساندن پیام شاعر را نیز بر عهده دارد. تکرار واژه به صورت تکرار اسم، صفت، قید و فعل نمود دارد. در زیر به برخی از این تکرارها اشاره می‌گردد. مثلاً در شعر «آبادی دادن» در توضیح واژه «آباد» و «میدان» چنین می‌گوید:

۵۰ تحلیل و بررسی گونه‌های تکرار در شعر...

ملک از جمیع جهات آباد است / آباد از تدارک مرگ آوران / و چار سوی بستۀ میدان /
میدان دام... (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۲۸۶).

یا با تکرار واژه و توضیح آن، سبب تقویت معنا و برجسته‌تر شدن مفاهیم و نشان‌دار شدن
واژه نیز می‌گردد؛ مثل: تکرار واژه «فشار» در شعر زیر:

من شاهدیم که مردم ما / تاب فشار قبر ندارند / فشار قرض / فشار قسط / فشار دلتنگی / فشار
چکمه دژخیمان (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۳۰۶).

در اینجا واج‌های «ق»، «گ»، «چ» و «ک» به کار رفته در «قبر» و «قرض» و «قسط» و
«دلتنگی» و «چکمه» فضای فشار و سختی و خشونت حاکم بر جامعه را به تصویر می‌کشد و
واژه «فشار» را به بهترین شکل توضیح می‌دهد.

این تکرارها گاه با برخی آرایه‌های ادبی؛ مانند ردالمصدر علی‌العجز همراه می‌شود. این آرایه
چنین است که: «گاه کلمه‌ای که در آخر سطر است در ابتدای سطر بعد تکرار می‌شود»
(فشارکی، ۱۳۷۹: ۴۷)؛ مثلاً در نمونه زیر تکرار واژه «یگانه» در ابتدای سطر دوم این صنعت
ادبی را خلق کرده است:

- و این طریق یگانه / یگانه تاریخ زخم‌های ملت ماست (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۳۴۴)
در کتاب «بیعت با بیداری» ۲۱ بار از این نوع بیان تفسیری استفاده شده است که نشان
می‌دهد صفارزاده به عنوان شگرد شعری به آن نظر داشته است.

تکرار واژه‌های نشان‌دار

هر واژه در زبان دارای اثری است که گاه این اثر معمولی و خنثی است و گاهی دارای بار
معنایی و ارزش فکری. در مباحث گفتمان‌شناسی واژگان را به دو دسته بی‌نشان و نشان‌دار
تقسیم می‌کنند. واژه‌های بی‌نشان از عادی‌ترین اقلام زبانی هستند که در اختیار همه اهل زبان
قرار دارند و دلالت بر واقعیت می‌کنند و از آن‌ها معانی ضمنی و کنایی مستفاد نمی‌شوند؛ اما
واژگان نشان‌دار علاوه بر اشاره به مصداقی خاص، حامل دیدگاه و نگرش ارزش‌گذار و
تلقی‌های ایدئولوژیک هستند» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۵۵).

تحلیل و بررسی گونه‌های تکرار در شعر ۵۱

در شعر صفارزاده واژه‌های نشان‌دار زیادی وجود دارد که هر یک به نوعی بار ارزشی خاصی برای شعر به همراه دارند. وی توانسته است با استفاده از واژه‌هایی که بار معنایی دارند و نیز تکرار آنها در شعرش فضای فکری جدیدی ایجاد کند که خواننده را در پی افکار خود می‌کشد و با کمک این واژه‌ها به بیان شرایط موجود در جامعه پرداخته است.

بر اساس آمار به دست آمده، ۲۱۷ واژه نشان‌دار در ۱۱۵۲ سطر و در قالب ۱۸ شعر به کار رفته است. نشان‌داری واژه‌ها در دریافت معانی متن ادبی بسیار کمک‌دهنده است. مانند:

در سفره / مرگ آمده است / صدای آمدن دندان بر لقمه / همراه با صدای گلوله است
(صفارزاده، ۱۳۹۱: ۳۳۲)

در شعر «در سفره»، واژه «مرگ» و «گلوله» محوریت پیام را دارند و آنچه گفته می‌شود در ارتباط با همین مضمون است. مخاطب به راحتی با این واژگان نشان‌دار ارتباط برقرار می‌کند و اندیشه شاعر و کلام وی را درمی‌یابد.

و هر نماینده / یک مستعمره است / مستعمرات نفس فراوانند / امروز هم به دعوت شوستر / مستعمرات آمده‌اند / .. مستعمرات نفس / چون که دهن باز می‌کنند... (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۲۹۲). کاربرد پیاپی «مستعمرات» سبب شده است که ارزش معنایی شعر بیشتر شود؛ یعنی مخاطب با این شعر نگاه منفی نسبت به نمایندگان پیدا می‌کند و بار منفی شعر به مخاطب منتقل می‌شود.

و ما غبارخوارانیم / همدگرخواران / نه خام‌خواران / نه گیاه‌خواران / و روح توست / که جسم انسان‌خوارت را / به خدمت انسان وامی‌دارد (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۲۹۲).

صفت‌های مرکبی که صفارزاده در این شعر به کار برده، حاکی از روح حاکم بر جامعه و روابط انسانی است که بیان‌گر این نکته است که انسان‌ها به جای این‌که در کنار هم و با هم و همراه هم باشند در مقابل هم قرار گرفته‌اند و ارزش‌های انسانی بسیار کم‌رنگ شده و گاه از بین رفته است. صفارزاده با تکرار توانسته است گزارشی از اوضاع جامعه بیان نماید که انبوهی از نالایقی‌ها، ناکارآمدی‌ها، نابسامانی‌ها و در مجموع فضای مسموم جامعه متجلی می‌شود. هر

۵۲ تحلیل و بررسی گونه‌های تکرار در شعر...

بار تأکید بر این واژگان، خواننده را به تفکر وامی‌دارد و نمودی ذهنی از روابط موجود در جامعه را ایجاد می‌کند.

تکرار فعل

«فعل، کلمه‌ای است که وقوع کار یا داشتن و پذیرفتن حالتی را در زمانی برساند» (ماحوزی، ۱۳۷۳: ۲۳۶). با توجه به این‌که فعل بار اصلی معنای جمله را به دوش می‌کشد و پذیرفتن حالت در حضور و تکرار آن بسیار مهم است، بنا بر این تکرار فعل در القای فکر و باور شاعر نقشی به سزا دارد و تداوم هر موضوع با کمک تکرار فعل اثری مانا و برجسته در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند. صفارزاده برای تأکید و تثبیت نظر خود بارها از این نوع تکرار بهره برده است طوری که تکرار فعل به یکی از شاخصه‌های شعری او تبدیل شده است و جای خالی ردیف و قافیه را تا حدودی با تکرار فعل پر نموده است. البته در برخی موارد فعل را مقدم بر سایر ارکان جمله به کار برده است که دارای بسامد قابل توجهی نیز هست و در جای خود به آن پرداخته می‌شود؛ مانند:

تو سرزمین رهایی هستی / برخیز / برخیز / برخیز / چشمت چو باز شد / دیگر مخواب
(صفارزاده، ۱۳۹۱: ۲۸۵).

و در خیابان / باران دارد می‌بارد / بارانی از گلوله / گلوله می‌بارد / گلوله می‌بارد.
(صفارزاده، ۱۳۹۱: ۳۰۸).

تکرار فعل «برخیز» سبب ایجاد شتاب در شعر شده و حس پویایی و حرکت را در خواننده تحریک می‌کند. نیز تکرار «می‌بارد» سبب می‌شود فضای بیرونی جامعه برای مخاطب ترسیم شود و احساس آن را به سادگی میسر سازد.

تکرار عبارت یا سطر

شعر نو از بندهایی تشکیل می‌شود که هر یک دارای مفهوم و پیامی خاص است. صفارزاده

تحلیل و بررسی گونه‌های تکرار در شعر ۵۳

در برخی از اشعار اقدام به تکرار یک مصراع در آغاز بندها کرده است و هر بار پس از تکرار موضوعی جدید را پی‌ریزی کرده است. در بیشتر موارد این بندها دارای پیوستگی عمودی است. تغییر موضوع با تکرار یک عبارت سبب شده تا یک مکث و توقف در مسیر خوانش شعر صورت پذیرد که این ایست چند لحظه‌ای، روال یکنواخت شعر را تغییر می‌دهد و خواننده احساس خستگی و خمودگی نمی‌کند، برعکس، محلی برای تأمل و اندیشیدن ایجاد شده است. این قسمت از شعر نمود خاصی در نظر مخاطب رقم می‌زند که همان برجسته‌سازی است. «خواه این برجسته‌سازی در جهت مثبت باشد و خواه به منظور تحقیر و ابراز نفرت، در هر دو حال تکرار بهترین وسیله برای مشخص کردن است» (متحدین، ۱۳۵۴: ۵۰۷). تکرار عبارت یا سطر گاه منجر به ایجاد آرایه ردالمطلع نیز شده است؛ مثل:

در سفره / مرگ آمده است (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۳۲۲)

این جمله در ابتدا و انتهای شعر تکرار شده است.

در شعر «آبادی دادن» که از هفت بند تشکیل شده است، همه بندها با این مصراع شروع می‌شوند: «ملک از جمیع جهات آباد است». این تکرار هوشمندانه و البته تهکمی، با ایجاد یک موتیف محتوایی، مخاطب را با تأمل به فکر وامی‌دارد و در پی آن خط سیر اندیشه‌هایش را به تصویر می‌کشد. در مثال‌های زیر این نکته به خوبی قابل مشاهده است:

تو می‌دانی / ظهور کن / ظهور کن که منتظرت هستم / ظهور کن که منتظرت هستم.
(صفارزاده، ۱۳۹۱: ۳۳۸).

رگ‌هایمان کشیده می‌شود از درد / رگ‌هایمان کشیده می‌شود از ریشه / به سوی تو / به سوی زمین / و این کشش زمینی نیست / و این کشش زمینی نیست. (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۳۴۰).

این عبارت‌ها در ابتدا و وسط شعر تکرار شده‌اند.

و امت تو آمده است / خونین و ضد سازش / و امت تو آمده است / و می‌گوید / بیگانه باید برود /.../ بهشت در انتهای همین میدان‌هاست / بهشت در انتهای همین میدان‌هاست.
(صفارزاده، ۱۳۹۱: ۳۱۶).

۵۴ تحلیل و بررسی گونه‌های تکرار در شعر...

گاهی این تکرار به این صورت است که مصراع‌ی در ابتدای شعر آورده شده و نیز با یک گردش دَوْرانی با همان مصراع به پایان می‌رسد. مانند:

چشم‌ت چو باز شد / دیگر مخواب / که خواب تو را باز می‌برد / در تیره راه خواب
(صفارزاده، ۱۳۹۱: ۲۸۵).

این عبارت در آغاز و پایان شعر «دعوت» آورده شده است. در کتاب بیعت با بیداری، ۲۹ بار تکرار عبارت و جمله وجود دارد که تکرار قابل توجهی است و می‌تواند به نوعی از ویژگی‌های شعری صفارزاده به حساب آید.

در ۱۸ شعر این کتاب، ۱۹ مرتبه تکرار مصراع یا عبارت را داریم که نشان می‌دهد شاعر از این روش برای بیان موضوع و تأکید منظور خود استفاده کرده است.

تکرار آغازین

جایگاهی که عناصر جمله در کنار هم و در محور همنشینی دارند، می‌تواند نقش هر یک را در ایدئولوژی شاعر بیان نماید. یعنی نحوه جمله‌بندی در هر متن که علم نحو نام دارد، با افکار و طرز فکر نویسنده و شاعر ارتباط مستقیم دارد. «علم نحو عبارت است از مطالعه روابط میان صورت‌های زبانی در جمله و چگونگی توالی و نظم و هم‌نشینی و چینش واژه‌ها» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۶۷). نحوه کاربرد واژه‌ها در کنار هم، یکی از عوامل مهم سبک‌ساز است. در سبک‌شناسی است که نگرگاه شاعر و نویسنده شناخته می‌شود. بر همین اساس بررسی وجهیت، زمان و صدای دستوری عواملی هستند که بازتاب دیدگاه نویسنده را در نحو مشخص می‌کنند (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۸۴).

این نکته که صفارزاده از قید وزن و قالب‌های کلاسیک آزاد است و کوشیده است در شعر معاصر به حرکت و انرژی که خون و نبض زندگی‌اند پردازد، سبب شده گاهی چینش واژگان دستخوش ناهنجاری شود اما زبان معیار، زبان مسلط بر متن شعر اوست.

در شعر معاصر، تکرار، شگردی است که شاعر برای جلب توجه، تأکید، تفهیم،

تحلیل و بررسی گونه‌های تکرار در شعر ۵۵

مضمون‌پردازی و تصویرسازی از آن استفاده می‌کند. چنانچه در محور هم‌نشینی واژه‌ای در آغاز کلام قرار بگیرد، خودبه‌خود دارای برجستگی و اهمیت است. مخصوصاً که این سرآغاز قرارگرفتن همراه با تکرار منظم و پی‌درپی باشد. در این حالت است که شعر، علاوه بر موسیقی درونی، به سمت و سوی درک مفاهیم جدید می‌رود. به بیان دیگر، هر نوع هم‌نشینی و ترکیب که ساخته شود، دارای بن‌مایه و مفهوم جدیدی است که فکر خواننده را در دریافت مؤکد آن یاری می‌کند. صفارزاده از این نوع تکرار، یعنی تکرار آغازین که در تعداد قابل توجهی از اشعارش به کار برده است، توانسته است یک نوع فردیت و شخصیت به اشعارش ببخشد. انواع مختلف کلمات؛ نظیر: اسم و صفت و فعل در شعر صفارزاده در ابتدای سطر تکرار شده است؛ مانند نمونه‌هایی که در ادامه اشاره می‌گردد:

اینجا بهشت است / از زیر سایه‌های درختان / صدای آفتابی شیون می‌آید / صدای غرغش
بغض / صدای حق هق مردان / بلندگو / نوار عکس / پلاکارد / عکس امام / عکس شریعتی /
عکس مجاهدان / عکس دلاوران (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۲۹۹)

در قبیلهٔ انسان / انسان بی‌خبر و معصوم / همیشه بار و برگ ستم / همیشه بار و برگ
تجاوز / همیشه اشتهای تصاحب / همیشه حافظ این پله‌هاست / پلکان جدایی (صفارزاده،
۱۳۹۱: ۳۳۵)

شب ضیافت ارواح / ارواح خوب / ارواح مضطرب و سرگردان / ارواح توبه‌کار / همه
اینجا هستند (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۳۱۸).

و باغ‌های مشجر / باغ‌های بالا / باغ‌های فرستندهٔ هوا / انصاف نیست / آلوده از نفس سمی
ددان باشد / ددان دشمن بیداران / ددان دامگذار / ددان دست‌نشانده / ددان دست‌آموز / ددان
در پناه عقابان (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۲۸۹).

باز آ / باز آ / ای مهربان معلم بیداری (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۲۹۴)

اما فقط به قامت رهرو / پناه می‌دهد از سرما / پناه می‌دهد از فصل غم (صفارزاده، ۱۳۹۱:
۲۸۴).

۵۶ تحلیل و بررسی گونه‌های تکرار در شعر...

بیهوده می‌شتابد این ماشین / بیهوده زوزه می‌کشد این جانور (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۲۹۷)
این عبارت سه بار تکرار شده است.
... برسینه جوان تو می‌تازد / و باز می‌کند آن را هم‌چون سفره (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۳۲۲)
این عبارت در ابتدا و انتهای شعر تکرار شده است.
به مستقیم می‌اندیشد در راه / به مستقیم می‌اندیشد در خط (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۳۴۵).
تقدم فعل در این عبارت‌ها بیان‌گر اهمیت مفاهیمی است که در قالب این افعال بیان کرده است.

صفارزاده در این کتاب ۵۲ بار از تکرار آغازین استفاده نموده که هر بار بین ۳ تا ۶ مرتبه تکرار و در کل عبارات ۲۳۴ بار تکرار داریم که حدود ۲۰ درصد عبارت‌ها را شامل می‌شود. تکرار آغازین یکی از ویژگی‌های فردی سبک شعر صفارزاده است.

تکرارهای نحوی

تکرار نحوی آن است که ویژگی‌های نحوی یک بخش یا جمله در بخش‌ها یا جملات بعدی تکرار می‌شود و موجب قرینه‌سازی نحوی می‌گردد. (داد، ۱۳۸۵: ۱۵۷)
در شعر صفارزاده تکرار ساختارهای نحوی در سطرهای مختلف دیده می‌شود؛ مثلاً در شعر زیر:

– رگ‌هایمان کشیده می‌شود از درد / رگ‌هایمان کشیده می‌شود از ریشه / ... تو در نهایت
وصلی با ناپیدا / تو در نهایت مه‌ری با ما (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۳۴۰).
در این شعر تکرار هم با تکرار واژه‌ها همراه است هم با تکرار ساختار مضاف‌الیه (وصلی، مه‌ری) و متمم (ناپیدا، ما). این قرینه‌سازی غیر از گسترش و تداعی معانی، نوعی وحدت بین ساختارهای قرینه را ایجاد می‌کند و اگرچه اجزاء جمله هم‌وزن نیستند، به دلیل وحدت نحوی هم‌وزن به نظر می‌رسند و سبب تقویت موسیقایی جمله می‌گردند.

تکرارهای معنایی

گاهی تکرار در چیزی فراتر از واژه و در لایه‌های زیرین فکری و ایدئولوژی اتفاق می‌افتد. شاعر برای بیان اهمیت یک موضوع به تکرار آن اقدام می‌کند اما نه با تکرار واژه؛ بلکه مفهوم آن را به طرق گوناگون یادآوری می‌کند که به آن موتیف می‌گویند. موتیف عنصری است که با تکرار به وجود می‌آید. تکراری که در همهٔ هنرها با معانی خاص خود حضور دارد و اصلی‌ترین عامل انگیزش درونی است. در ادبیات این حضور با عباراتی چون بن‌مایه، درون‌مایه و نقش‌مایه همراه است. بن‌مایه‌ای که از فکر و اندیشهٔ شاعر نشأت می‌گیرد و در آفرینش اثر ادبی، محوریت دارد. اما آنچه در همهٔ تعاریف به صورت مشترک قابل دریافت است، درون‌مایه‌ای است که بر اثر تکرار برجسته شده و محوریت متن را در دست می‌گیرد. این درون‌مایه از هر نوعی می‌تواند باشد؛ مثلاً قهرمان اصلی داستان، نوع رفتارهای اجتماعی، آداب و سنن، مرگ و زندگی، خواسته‌ها و آرزوها، کنش‌ها و واکنش‌ها و خلاصه هر چیزی که با تکرار، نمود بیشتری پیدا کند. «در فرهنگ اصطلاحات ادبی شیپلی^۱ موتیف، واژه یا طرحی ذهنی دانسته شده است که در موقعیت‌های مشابه تکرار می‌شود و برای فراخواندن یا یادآوری یک حالت یا روحیهٔ مشابه در خلال یک اثر یا در آثار مختلف یک نوع ادبی به کار می‌رود» (شیپلی: به نقل از تقوی، ۱۳۸۸: ۱۲). با شناخت موتیف است که می‌توان به اندیشهٔ نویسنده یا شاعر پی برد.

طاهره صفارزاده از شاعران متعهد انقلاب است که توانسته است اندیشه‌هایش را با مضامین انقلابی، دینی و دفاع مقدس در قالب اشعاری بیان نماید. این اشعار که حامل موتیف محتوایی است، در برگیرندهٔ مفاهیمی؛ چون: مبارزه، وحدت، حرکت، انقلاب، ظلم‌ستیزی، آزادی‌خواهی، شهادت‌طلبی و غیره است. این اشعار نه تنها او را در ردیف شاعران انقلابی قرار داده است، مختصه‌های شخصیتی و عقاید و باورهای درونی او را نیز در آثارش نمایان کرده است.

گسترش معنایی با تکرار

وقتی شاعر قصد دارد هدفش را در قالب یک واژه یا یک عبارت بیان کند، در لابه‌لای اشعارش آن را تکرار می‌کند. این تکرار سبب می‌شود آن واژه در نظر مخاطب مهم جلوه کند و خودبه‌خود پس از چند تکرار، تصویری از مضامین مختلف در نظر او شکل می‌گیرد؛ یعنی تجلی همان صورخیال. اندیشیدن پیرامون مفاهیم عبارت برجسته، راهی است برای پی‌بردن به تفکر و ایدئولوژی شاعر؛ مثلاً در شعر «آبادی ددان»:

رواج صنعت ماشین حرف / ماشین وسوسه و تعریف / ماشین تخطئه و تحریف / ماشین شستن پاکی‌ها / ماشین پخش پلیدی‌ها (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۲۸۸).

- ملک از جمیع جهات آباد است / آباد از نظارت طراحان / طرح نمونه آبادان / طرح شکنجه همگانی / طرح شکنجه‌های نهانی /..... / مشرف به قوم دزد زده / مشرف به سر پناه / مشرف به زاغه (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۲۸۷).

واژه «ماشین» و «طرح» در هر بار تکرار مفهوم تازه‌ای را بیان می‌کند. صفارزاده با هنرمندی تمام ضمن تقویت موسیقی درونی شعر، گستردگی معنا را برای مخاطب به ارمغان آورده است. یعنی هر بار تکرار در یک واژه یا عبارت، معنایی جدید را بیان می‌کند و این نوع تکرار بار معنایی شعر را، غنا می‌بخشد.

نتیجه

صفارزاده در کتاب بیعت با بیداری که در سال‌های ۵۶ تا ۵۸ سروده شده است، تلاش کرده با بیان مسایل و مشکلات اجتماعی مربوط به آن مقطع زمانی، در اجتماع حضوری پررنگ داشته باشد و همان‌گونه که اوضاع نابسامان حاکم بر جامعه را مطرح می‌کند، با دمیدن روح حماسه و ایثار در مردم شهید داده، ضمن دعوت به مبارزه و حرکت و قیام، به آنها تسلی داده و با امید به آینده، آرمان‌شهری را به تصویر می‌کشد که همه انتظار آن را دارند.

در این کتاب تکرار جایگاه ویژه‌ای دارد. در این پژوهش با توجه به میزان کاربرد گونه‌های مختلف تکرار و بسامد آنها، انواع تکرار در شعر صفارزاده به سه دسته: تکرارهای لفظی، نحوی و معنایی تقسیم شده است. تکرارهای لفظی؛ شامل تکرار واج، واژه و عبارت یا سطر شعر است. تکرار نحوی، تکرار ساختارهای نحوی در جملات مختلف است و تکرار معنایی، تکرار مفاهیم و مضامین به شکل‌های مختلف با واژه‌ها و تصویرسازی‌های متفاوت است.

در این کتاب از گونه‌های مختلف تکرار؛ مثل تکرار آغازین، تکرار عبارت و تکرار نحوی و معنایی ۲۲۵ نمونه احصا گردید. این تعداد در ۱۸ شعر کوتاه و بلند با ۱۱۵۲ سطر، ۲۰ درصد را شامل می‌شود که قابل توجه است. در این بسامد بالا یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های شعر صفارزاده؛ یعنی تکرار رقم می‌خورد.

منابع و مأخذ

- ۱- باقی‌نژاد، عباس. «بررسی رویکردها و رفتارهای زبانی در شعر صفارزاده»، بهارستان سخن، دوره ۱۳، شماره ۳۱، ۱۳۹۵.
- ۲- تقوی، محمد؛ دهقان الهام، «موتیف چیست و چگونه شکل می‌گیرد»، فصل‌نامه نقد ادبی، شماره ۲، ۱۳۸۸.
- ۳- داد، سیما، فرهنگ اصطلاحات ادبی. چاپ سوم، تهران: مروارید، ۱۳۸۵.
- ۴- دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- ۵- رستمی، فرشته، «بررسی زبان ادبی اشعار فارسی طاهره صفارزاده»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه ارومیه، ۱۳۹۲.
- ۶- شفیعی کدکنی، محمدرضا. موسیقی شعر. تهران: آگاه، چاپ هفتم، ۱۳۸۱.
- ۷- شمس لنگرودی، محمد. تاریخ تحلیلی شعر نو. تهران: مرکز، ۱۳۷۸.
- ۸- شمیسا، سیروس. کلیات سبک‌شناسی. تهران: فردوس، ۱۳۷۳.
- ۹- صرفی، محمدرضا؛ نارجی، مژگان، «سبک‌شناسی لایه‌ای اشعار انقلابی و مذهبی طاهره صفارزاده»، نشریه ادبیات پایداری، دوره ۷، شماره ۱۲، ۱۳۹۴.
- ۱۰- صفارزاده، طاهره. مجموعه اشعار طاهره صفارزاده، مقدمه نویسنده محمد حقوقی، تهران: پارس کتاب، ۱۳۹۱.
- ۱۱- _____ (الف)، مردان منحنی. شیراز: نوید، چاپ دوم، ۱۳۶۶.
- ۱۲- _____ (ب)، دیدار صبح. شیراز: نوید، چاپ دوم، ۱۳۶۶.
- ۱۳- علیپور، مصطفی. ساختار زبان‌شناسی امروز. تهران: فردوس، ۱۳۷۸.
- ۱۴- فتوحی، محمود. بلاغت تصویر. تهران: سخن، ۱۳۸۶.
- ۱۵- _____ سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران: سخن، ۱۳۹۰.
- ۱۶- فشارکی، محمد. نقد بدیع. تهران: سمت، ۱۳۷۹.
- ۱۷- ماحوزی، مهدی. برگزیده نظم و نثر فارسی. تهران: اساطیر، چاپ ششم، ۱۳۷۳.
- ۱۸- متحدین، ژاله، «تکرار، ارزش صوتی و بلاغی آن»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال ۱۱، شماره ۳، ۱۳۵۴.

تحلیل و بررسی گونه‌های تکرار در شعر ۶۱

۱۹- مولوی، جلال‌الدین محمد. *مثنوی معنوی*. تصحیح نیکلسون، تهران: امیرکبیر، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۹.

۲۰- میرزاده دم طسوج، پیروز، «زیباشناسی در اشعار طاهره صفارزاده» پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ارومیه، ۱۳۸۹.

۲۱- ناصر خسرو، ابومعین؛ قبادیانی، ناصر بن خسرو. *دیوان*. به کوشش مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران، چاپ ششم، ۱۳۸۴.

۲۲- ونارجی، مژگان، «سبک‌شناسی شعر شاعران زن از پیروزی انقلاب اسلامی تا دوران دفاع مقدس (طاهره صفارزاده، سپیده کاشانی، فاطمه راکعی)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۹۲.

۲۳- یاحقی، محمدجعفر. *جویبار لحظه‌ها*. تهران: جامی، ۱۳۷۸.

۲۴- یلمه‌ها احمدرضا؛ ولی محمدی آبادی، مهدیه، «بررسی زبان شعر طاهره صفارزاده در دوره دوم شاعری (اشعار دفترهای طنین در دلتا، سد و بازوان، سفر پنجم)»، زیبایی‌شناسی ادبی، دوره ۵، شماره ۲۲، ۱۳۹۳.